

مهوش وقاری:

عشق‌ها هم دیگر واقعی نیستند!

شاید شما هم با شنیدن اسم مهوش وقاری در ذهن تان تصویر او در کنار همسرش، یعنی مرحوم محسن قاضی مرادی نقش ببندد. وقاری از حدود سال ۱۳۳۷ فعالیتش را به صورت جدی در دنیای بازیگری شروع کرد. با این حال همزمان با بیماری همسرش ترجیح داد تا کنار او باشد و کمتر سراغ کاری برود. در ادامه اما حضور او در دنیای تصویر کمرنگ تر شد.



لو که مخصوص کودک و نوجوان بود پخش شد و فردایش بدترین بازخورد منفی نقش خود را گرفتم. وقتی وارد مدرسه شدم حتی بچه ها هم به من سلام نکردند که برایم خیلی عجیب بود و نمی توانستم بفهمم چرا از طرف بچه ها مورد بی مهری قرار گرفته ام. بعد ها متوجه شدم که بچه ها می گفتند «خانم معلم شما دیگه چرا؟ شما که خیلی مهربان بودید» و تازه متوجه قضیه شدم.

❓ **نقشی بوده که آن را رد کنید و پشیمان شده باشید؟**
یکی از اتفاقات شغل ما این است هر چیزی که پیشنهاد دادند اگر رد کردید بعد پشیمان می شوید و اگر هم قبول کنید می گویند، عجب اشتباهی کردم. (با خنده) این چند سال اخیر خیلی کار به من پیشنهاد شد؛ کارهایی که از لحاظ کیفی خیلی خوب نبود و احساس می کردم دوست ندارم انجام بدهم و نمی توانستم با آن نقش ارتباط بگیرم. متأسفانه امروزه بعضی از کارها جنبه شعار گونه دارد و حرف واقعی دل مردم نیست. من به عنوان یک بازیگر معتقدم وقتی می خواهید نقشی را ایفا کنید، حداقل کمی حرف دل خودت هم باشد، نه آن که با حرف دلت مغایر و یک نصیحت مسخره گونه باشد.

❓ **اگر بخواهید خودتان کاری را بسازید سراغ چه موضوعی می روید؟**
با وضعیتی که مردم در کرونا و اوضاع اقتصادی داشتند خیلی دلم می خواهد موضوعی باشد که کمی حال مردم را خوب کند. با آن که تاکنون بازیگر طنز و کمدی نبودم ولی فکر می کنم اگر قرار است کاری انجام دهم، دوست دارم به سمت شادی مردم باشد.

فلان نقش تان گریه کردیم.» خب این حرف های مردم خیلی به دلم نشست است. حالا نمی دانم گفتن این حرف ها از روی تعارف بوده یا واقعی است! یاد می آید آن موقع که کار تدریس در آموزش و پرورش داشتم، دو تا نقش منفی داشتم و موجب شد از مردم بازخورد بدی بگیرم. شب قبلش کاری از من پخش شده بود که نقش زن پدر کمی بدجنس را داشتم. کاری از آقای فرد

باید در آن سکانس با هم دعوا می کردیم تا یک دو سه را اعلام کردند از آنجا که دل پری از او داشتم شروع کردم به جیغ زدن و دعوا کردن با ایشان و دلم خیلی خنک شد که این اتفاق افتاد ولی بعدها در کارهای مختلف با هم خیلی همکاری های خوبی داشتیم.

❓ **با توجه به این که معتقدید بازیگری حرفه سختی است، چه پیشنهادی برای کسانی که این حرفه را دنبال می کنند، دارید؟**

اتفاقا خیلی سؤال می کنند باید برای بازیگری چه کار کنیم؟ اما من این حرفه را به کسی پیشنهاد نمی کنم. زمانی می گفتیم موفق بودن در بازیگری نیاز به عشق فراوان دارد، زیرا تنها چیزی که در این حرفه طرف را نگه می دارد همان عشق است اما الان می بینم عشق هم کار ساز نیست. البته عشق ها هم دیگر واقعی نیستند. (با شوخی و خنده) امروزه بیشتر شهرت در ذهن افراد است که به دنبال بازیگری می روند در حالی که اگر عشق واقعی در بازیگری نباشد، سختی های کار مانند بی خوابی و نداشتن برنامه در زندگی شخصی و... موجب می شود به طرف صدمه بزنند.

❓ **پس به عنوان یک منبع درآمد چطور؟ می شود به حرفه بازیگری نگاه کرد؟**
اگر منظور کسب درآمد برای گذران زندگی باشد باید بگویم نه، چون برمی گردد به دیدی که از بیرون به حرفه بازیگری در مورد دستمزد بالا و... وجود دارد. حالا بازیگر هر قدر دستمزد بالا بگیرد (منظورم این بازیگرانی که میلیاردری می گیرند، نیست) وقتی که در طول سال دو کار به شما پیشنهاد شود، فرض بر این که با همان دستمزد بالا هم باشد باید کل سال را با آن سپری کنید و اگر سرشکن کنید مانند یک حقوق کارمند معمولی برای بازیگر می شود، بنابراین با این هزینه بالای زندگی نمی توان به عنوان منبع درآمد به حرفه بازیگری نگاه کرد.

❓ **از بین بازخورهای مردم در بازی های تان چه صبحتی دارید؟**
در عمر کاری ام بازخورد منفی از مردم بسیار کم داشتم و بیشتر لطف شان شامل حال شده است. به خصوص در این سال های اخیر لطف مردم به من بیشتر شده است و بیشتر به من احساس نزدیکی کرده و می گویند «شما از جنس خودمان هستید» یا عنوان کردند «در فلان سکانس مهربان بودید و با

❓ **مدت طولانی است که دیگر شما را در دنیای تصویر ندیده ایم، مشغول کار تازه ای نیستید؟**
نه، آخرین کارم که بعد از چند سال بیکاری انجام دادم همان سریال «جناب علی» بود که با کارگردانی عادل تبریزی بازی کردم. قرار بود این مجموعه جزو سریال های نوروزی تلویزیون باشد ولی بار اول از سامانه تلویزیون پلاس پخش شد و عید نوروز ۱۴۰۱ از شبکه نسیم روی آنتن رفت. همچنین آن موقع ها چند پیشنهاد خوب در تئاتر و تلویزیون داشتم اما به دلیل این که نمی توانستم همسر را تنها بگذارم، این پیشنهادها را قبول نکردم.

❓ **در همه این سال ها که نقش های مختلف را تجربه کردید، آیا نقشی بوده که دوست داشتید آن را تجربه کنید و نشده؟**

به قول دوستان بیشتر نقش من شبیه مادرهای مهربان بوده است. در این بین بعضی نقش ها را هم خیلی تکرار کردم به همین دلیل همیشه دوست داشتم نقشی متفاوت از اینها را تجربه کنم که پیش نیامده است.

❓ **در بین آثار تان از کدام یک خاطره خوشی در یاد تان مانده که هنوز هم یادش می افتید؟**
جدیداً آن قدر که خبرهای تلخ شنیدم چیزی یادام نمی آید اما خاطرات خوبی سرکارم داشته ام. یاد می آید در سکانسی که با مرحوم آقای اطلسی داشتیم باید با هم دعوا می کردیم. خب ایشان از من بزرگ تر بود و در کار دوبله هم مهارت داشت و فکر می کرد باید مرا آموزش دهد و حتی زمانی که موقع تمرین نبود به من می گفت «خانم بنشین کمی تمرین کن». من خیلی حرص می گرفتم و دوست داشتم یک بار هم شده حالش را بگیرم و از خودم هم مطمئن بودم که دیالوگ هایم را حفظم. خلاصه چون

دوقطبی دوست داشتنی

شاید از نظر دیگران این دید وجود ندارد ولی خودم نقش (ربابه خانم) را در «رسم عاشقی» که سال ۸۴ ساخته شد، دوست داشتم چون نقش آدم دوقطبی را داشت و نمی توانستی تشخیص بدهی آدم مثبت گرایی است یا منفی و انتخاب آقای سعید سلطانی، کارگردان فیلم نیز بر همین اساس بود و توانستم از اجرای آن نقش برپایم. سه سکانس هم در سریال «معما» از آقای محمد رضا آهنگ بازی کردم و نقش خانمی را داشتم که بچه ها را می دزدیدند و می فروختند که متفاوت ترین نقشی بود که در دوران بازیگری ام تجربه کردم.

موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم، برگزار می کند



مدرسه ی تربیت منتقد، به عنوان اولین و جامع ترین مرکز تربیت تحلیلگران و منتقدین سینما، با شناخته شده ترین مدرسین سینما، قصد دارد، کارشناسان، منتقدان و روزنامه نگاران را پرورش دهد تا بتوانند درست فیلم ببینند و عمیق و دقیق، آن را تحلیل کنند.

برای ثبت نام فایلی شامل مشخصات، مهارت ها، سوابق و نمونه کارها (در صورت وجود) را به نشانی QR کد زیر ارسال فرمایید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام لطفاً با شماره ۰۲۱۲۳۰۰۴۱۰۷ تماس بگیرید.



برای ثبت نام اسکن کنید

